

احتراق مزاج

اشجار را علت رسد و فساد ماکولات باشد و خوف از سرما و مور و ملخ غلبه کنند و امکان
 زلزله بود خاصه که احتراق در رابع بود و زحمت هل قلم و دنا تو و کثرت آراجیف و سخنان
 و اخبار در روع اگر مزاج بود یا ناظر باشد بد و سرما باشد و تاریکی هوا و بادندگی در وقت
 و میلال عوام و ریج مسافران و سیکان و ایلچیان و قاصدان بود و آمدن کاروانها *
 (احتراق زحل در مثلث باری) دلالت کند بر فتنه در ملوک و اشراف و اکابر مغربیه
 علماء و بدکشتن هوا و بیماریها در خلافت و وزیدن بادهای ناخوش و مضروب و قوی
 سرما در وقت و فساد در خنان و تنگی طعام و افت ظهور و فتنه بزرگان و غم و اندوه
 رؤسا و بیماری اطفال و گردن عوران و عزت طعام و حیوانات و قوه هوام و زیادتی
 پشم و کین در وقت و فساد حال صحرائستان و عداوت میان او با فئات و دعویها
 و دعویهای باطل در میان ایشان و ارسال رسد و رسایل بیکدیگر و حدیث شود
 و صرع در میان مردم اگر مثلث انجا بود یا ناظر باشد با و بادهای ناخوش و زرد میوه
 و اطعمه نیکو بود و یکی از اشراف الناس ناچیز کرد و دیگر اشیا را ضرر کند رسد و
 بادهای قوی عهد اگر مزاج بود یا ناظر با و باشد در زمین مغرب و اقلیم سیم
 تسویش افتد و برهم خوردگی مردم بود در ولایت حواسان و مخاطره سلاطین و امراء
 باشد و در زمان غلبه کنند و فتنه حادث گردد و بعضی از سپاهیان اسپر شوند و
 مردعیان ظاهر گردند و اگر زهره انجا باشد زبان زنان و مطربان باشد و حدیث
 سرما در وقت و افت اشجار و آثار مکروران نباشد که افت رسد و اگر رسد قلیله
 باشد و تفاوت نزع اطعمه اگر عطا و د انجا بود مردم در علوم و صنایع دقیقه گوشند
 و اصل ادیان معتبر شوند و تغییر هوا و کثرت آراجیف باشد و بادهای ناخوش و زرد
 و بسیاری مکرر و زور بود و زحمت کتاب و فضلاء و خصوصت محترفه و هلاک شخصی
 معروف از این طائفه اگر مزاج بود یا ناظر بود و ریجوری عوام و عورتان باشد و مجتنب
 رسولان و مسافران و قوت حال بناات بود و کثرت بارندگی در وقت و تفرقه عامه
 باشد (احتراق زحل در مثلث ابی) دلالت کند بر بیماری و ریج ملوک و سلاطین

در شمال و اقلیم چهارم و فساد حال مسافران دریا و باران در وقت وافت پیران و
 فرو رفتن قومی وافت برنج و فتنه در شمال عراق و دیار کوفتان و غرق سفینها و نقصان
 آنها در بعضی از مواضع مستعد و طغیان آنها باشد و جزای عمارتها سبب آن و
 شدن عصبا و بیماریهای بلغمی و مرگ ستوران و حرکت ملوک و سلاطین و غارت
 جایها و وزیدن بادهای خنک و مشغولی سلاطین با نظام ممالک اگر مشتمل بر
 بود یا ناظر بد و بود غلبه اهل صلاح بود و فراخی و نکبت مفسدان وافت یکی از حکام
 خراسان و منفعت از سفر دریا و یکی سوداها و بارندگی اگر مریخ اینجا بود یا ناظر با
 بد و بیم باشد ازافت و فتنه و تشویش و خروج مردم مفسد و منکوب و مفسود
 شدن ایرطایفه و قید و بند بزرگان و بدگشتن آب و هوا اگر زهره اینجا بود ملا
 زنان و مطربان باشد و ابرهای تیره و سرما و بارندگی در وقت و علمها از باران
 اگر عطار و اینجا بود رسیدن کاروانها باشد و تیزی بازارها خاصه بازار مر و اید
 و مرجان و تشویش در نایل و فارس و محنت عمال باشد اگر قمر اینجا بود یا ناظر بد و
 اید وافت کشتهها و بروج مسافران و عزت طعام و تفرقه عاصم باشد (احتراق مشتمل
 در مثلثات اربع) اثر احتراق مشتمل نیز مخصوص ماه نبود بلکه تا سال نکشد و سلطان
 المحققین در کتاب سفینه میفرماید که احتراق مشتمل مطلقا دلالت کند بر میل اکابر و
 ملوک بر راستی و عدل و اسبب رسیدن بقضاة و سادات و اشرف و مردمان بزرگ
 و مرگ اغنیاء و توانگران و اعتدال هوا و نیافت شدن شیرینها و عزت جواهر معدنی
 و کدورت اهل روع و دیانت و تعویق در کارهای خیر و بیرون رفتن مدارس (احتراق
 مشتمل در مثلثات ثانی) دلالت کند بر قوت حال ملوک و سلاطین خاصه در جای مشرق
 و زمین خراسان و نکبت وزراء و قضاة و قتلهای نهانی و عزت فقیر و مصادره ثواب
 و بی اعتباری اعیان و اشرف و خصومت پادشاه و فرماندهان و تلف یکی از بزرگان
 و داد و عدل و فراخی طعام و تغییر هوا و بناهی حال علماء و فقها و قوت کرماء در وقت
 و یکی آنها حدوث عموم و هجوم بدی حال دوا با کر زهره اینجا باشد یا ناظر بد و

احتراق مشتمل

در مثلثات اربع

ن

احترق مشرق

زمین عرب فتنه افتد و آفت برده و حیوانات بود اگر هیچ اینجا بود یا ناظر با وقتها
 و خرابیها حادث شود خاصه در جانب مشرق و دیار خراسان و غضب و تندید
 مزاج آکا برو عزت العرب و نکت بزرگان و فساد معادن و بیرون رفتن دارالضرب
 اگر زهره اینجا باشد اعتدال بود و فساد طعام و صیوه بود و آسیب رسد بزنان
 و اهل طرب و ارزانی باشد اگر عطار در اینجا بود تیزی بازار خراسان و صرافان و
 ستور و عطر باشد و ملائحت بهر آن و اهل دیوان و مجادله و کفنگوی بازاریان و
 بیماری دعاوی باشد و هوا متغیر شود و عیار در نایز و دراهم تغیر یابند و سکه
 نو میکن مضروب گردد اگر قمر اینجا بود یا ناظر باشد بدو و نمها و ابرها باشد و هوا
 معتدل گردد و مسافران و پیکان نایکت رسد و خوف بیماری عوام بود (احترق
 مشرق در مثلث خاکی) دلالت کند بر نیکی حال ملوک و جانب جنوب و ایشاق و عدل
 نمودن و میکن که بوزرا و علما و اهل تقوی و ورع مکروه رسد و قضایه عزال شوند و
 فراخی طعام و شیرینها باشد و شکوه از مفسدان و هراس در حکام و بتاهی مهلات رسد
 و بیماری کشا و رزان و دهقانان بود اگر زحل اینجا بود یا بد و ناظر باشد در خراسان
 فتنه خیزد و کرک و رنج کا و کو سفند باشد و خشکی هوا در وقت اگر هیچ اینجا باشد
 یا ناظر بوی دزدی و حیانت و ظلم و خواست پدید آید و خشکی هوا و فساد اطعمه و حرک
 لشکرها و اسب و حرب شایع گردد و آفت بنا نماند و قلت طعام اگر زهره اینجا بود
 فراخی بخت بود و اندوه زنان و مطربان و آریاب ملاهی و خوف صیوه از سر ما اگر
 عطار در اینجا بود سرما سخت بود و تغیر هوا باشد و تفاوت در نباتات و کثرت بیج
 دواب و بسیاری را حیث نباشد و تشییع اهل بازار و کساد متاعها بود و ظلم شایع
 گردد و سرما ضرر رساند اگر قمر اینجا بود یا بد و ناظر باشد عوام را ملالت رسد و بد
 حال مسافران و زنان باشد و راهها مسدود گردد و سرما و فساد حیوانات بود
 (احترق مشرق در مثلث هوای) دلالت کند بر قوه حال پادشاهان سیه پادشاه
 مغرب و محاققت ناموس در میان خلایش و فراخی اطعمه و نیکی اشجار و اثمار و صحت

در مثلث خاکی

در مثلث هوای

در روج اثنی عشر

خلایق و فیصل کردن بطاعت و خیرات و نفاق در اکابر و بنکی معیشتها و کثرت انصاف
 و میل هوا و اجزای و فتنه در ولایت شام و اقامت ملکی عادل و پر دین ای وزیر و باد
 سموم در مکان و زمان متعدد و توسط کار متر دین و اهل اسفار و کمی که مردم
 و هبوب ریح غاصفه و محربه و امکان رعد و برق و اصلاح میان حکام و علما اگر
 زحل انجا بود یا ناظر بنا را فتنه درختها و بیماری خلایق و کرازی و بادهای مضر باشد
 اگر مریخ انجا باشد یا ناظر بد بود بیماری ظاهر گردد از بادهای گرم و غلبه خون
 و قتل اشرف بود و نفاق میان اکابر دستم و اقامت صیو ها و ارجیف و شهب و علامت
 اثنی سمت ظهور یابد خاصه که مریخ در عاشر بود و قمر ناظر بعد اوت اگر زهره انجا بود
 نکاحها بر آید اما بعضی بے خیر بود و خوبی معاش را رزانی بود خاصه در صیو ها و
 تغییر هوا و نمها باشد در وقت و بدی حال زنان و مطربان بود و صحت مرضا که عطا
 انجا بود بادهای سخت جهد و رونق دار الضرب بود و تلف اموال خلایق و خصوصت
 مردم و تیزی بازارها و رونق اهل فضل و حکما و دبیران و حدت فخرها اگر قمر انجا
 بود یا ناظر بد و باشد باد و بارندگی باشد در وقت و صیو ها نیکو بود و صحت مردم
 باشد و عوام را ملالت رسد و بد حال مسافران بود و مسدود شدن شوارع و
 طرق (احتراق مشرق در مثلثه ای) دلالت کند بر اندوه علما و اعیان و توانگران و
 زیادتی حیوانات ای و نیکی حال ملوک جناب شمال و اعتدال هوا و سلامتی مسافران
 دریا و بسیاری ایها و فراخی معیشت خلایق و قوت گرفتن مردم سفله و مرگ فقرا
 و مشایخ و یاران در وقت و کثرت اطعمه و اشربه و مهربانی مردم با یکدیگر و حرکت
 سپاه و یافتن خواصان دراری و لالی و کثرت میاه و ابرهای مختلف و بدی حال
 حیوانات ای و نیکی بنات اگر زحل انجا بود یا ناظر باشد با فتنه و استوب بود
 جانب شمال و کرازی زخنها و موت اکابر اگر مریخ انجا بود یا ناظر بد و بود حرب و خون
 ریختن بود و غرق سفاین و حرکت عسا که بقصد تاخت و نهب و غارت اکثر در جانب
 مشرق و طرف خراسان و غضب تندی در مزاج بزرگان و عزت الت حرب و تقصا آهسا

در مثلثه ای

احتراق مریخ

وفساد حیوانات اے اگر زہرہ انجا بود بسیار ابرها باشد و کثرت باران و ارزانی هوا
 اے و ارتفاع ابرهای پیره و سرما در وقت و بیماری نان و کودگان باشد اگر عطا
 انجا بود تیزی بازارها باشد و رونق اعمال و کثرت خیرات و فراخی و ارزانی و وفور
 بیع و شری و آمدن قوافل و آمدن کشتیها و بارندگی در وقت و تغییر هوا اگر قراغیا
 بود یا ناظر بار سیلهای مخرب رود همد در وقت و سبکی بناات و تعجیل مسافران
 و آمدن ایشان از سفر و خصومت عامه (احتراق مریخ در مثلث اربع) سلطان
 المحققین نصیر الملک والدین در کتاب سفینه آورده که احتراق مریخ مطلقا دلیل است
 بر نا ایمی راهها و حدوث فتنها و برخواستن دزدان و پدید آمدن دشمنان پادشا
 و مناقشه و مخالفت پادشاهان با یکدیگر و کشته شدن سپاهیان و گرمی هواست
 باد سموم در بادیهها و افرات خشکی در مزاجها و تشویش در بلاد عراق و خراسان و اکثر
 اقلیم چهارم و افتادن غارت و تاراج و امراض حاده و مرگ فجاءه (احتراق مریخ در
 مثلثا تثنی) دلالت کند بر غضب تنیدی بر مزاج ملوک و سلاطین و افتادن مقاتله
 و محاربه در جانب مشرق و اقلیم سیم و چهارم و بکت اکا بر وقتلهای نهانی و مخالفت
 لشکریان و مرگ حیوانات خاصه کوسفند و بز و اسب و فساد جواهر و حدوث شیخون
 و فساد دارالضرب و وزیدن سموم در وقت و مواضع مستعد و بیماریهای اطفال و
 خشم ملوک بر رعایا اگر زهره انجا بود یا ناظر با و باشد مرگ یکی از معارف بود و کثرت
 ظلم و جور از سلاطین اگر مریخ انجا بود یا ناظر با و باشد افت اکا برو معارف
 باشد اگر زهره انجا بود حدوث باران و فراخی طعام و اسقاط اجنه و بیماری زنان
 و فرج بزرگان و اعتدال هوا اگر عطارد انجا بود در عا و برق باشد و حدوث علامت
 آتشی خصوصا که احتراق در عا شری بود اگر مریخ انجا بود یا ناظر بود بعد اوت تاکید
 امر مذکور کند و بیع دواب و جواهر و زدن دراهم و فلوس و تیزی بازار سلاح و ستور
 و برده و هبوب ریاح عاصف و رعد برق در وقت و قوت فتنه و احتراق مواضع و
 دلالت عامه و تشویش مسافران و قطع طرق و غرق سفاین و اندوه و خوف و حدوث

در مثلث اربع

در مثلثات ربع

نہا و تجارت و بیع برده و امتعه زجاجیہ اسلحہ (احتراق مریخ در مثلث خاکی)
 دلالت کند بر نکت ملوک و اکابر در چاہ جنوب و افتادن قتلہا و فرود رفتن قومی
 و مقاتلان نہاے و امکان خلاف لشکریان با سرداران و ظهور زردی و کذب و حرا
 مردہا و مقامہای عالی و پریشانی حال امرا و امراض خارہ و مرگ بزرگان و مردان
 و گرفتاری اهل فساد و قاطعان طریق و هلاکت این طائفہ و افت کشت و زرع و بستگی
 کارہا اگر زحل انجا بود یا ناظر باشد با و افت کار و شتر بود و فساد غلات اگر
 مشتری انجا بود یا ناظر باشد با و کرایہ زمینہا بود اگر زہرہ انجا بود بیماری مطربان
 باشد و سلاستہ کشتہا و شدت سرما در وقت و بازار میوه و جوزق و کتان نیک
 بود اگر عطارد انجا بود اختلاف هوا باشد و سرما خشک و بیماری در بہار و بیع و
 شری بناات و حیوانات و بردہ و عمال و تجارت راضی و رسید و کودکان و اطفال را
 عوارض پیدا شود و بادہای محل زرد و کثرت ہوم و اراجیف باشد اگر قمر انجا بود
 یا ناظر باشد در پنج مسافران و تفرقہ و پریشانی خاصہ بود و اندوہ زنان و بیماری
 و نازندگی در وقت و قوت بناات (احتراق مریخ در مثلث ہوائی) دلالت کند
 بر قتل و مرگ ملوک مغرب و افتادن تشویش و اراجیف و بیماری دعوی مثل سرخ باد
 و جرب و ابلہ و موتہای ناکاہ و خواری اعزہ و استیلائی ناکسان و اختلاف هوا و
 خشکی و بدی حال امرا و لشکریان و فرود رفتن مدعیان و مخالفان پادشاہ و افت بندگان
 و نکت دزدان و قوت کفر و ہبوب ریاچ غاصفہ و ارتفاع غبارہای سرخ و زرد
 اگر زحل انجا بود یا ناظر باشد با و ملکی فرورد و ظهور بیماریہای و بلای و احتراق
 مواضع باشد اگر مشتری انجا بود یا ناظر با و باشد و آسیب رسد بمعارف و فساد
 اشجار بود اگر زہرہ انجا بود باران نافع آید و باد ہماخوش زرد و تند رستی مردم و
 ارزانی البسہ و اقشہ بود و پریشانی زنان و مردان اگر عطارد بود کثرت اراجیف
 و تغییر هوا باشد و خشکی و ظهور علامت آتشی سینما کہ احتراق در عاشر بود و
 رونق بازار بردہ و قوت اطبا و جراحان و کثرت ریاچ و صواعق اگر قمر انجا بود یا ناظر

در مثلث خاکی

در مثلث ہوائی

احتراق مریخ

باشد با و شبخون رود و در ماندن مسافران و رسولان و فتوح باشد و رنج زنان
 حامله و اندوه عوام و باندگی بود (احتراق مریخ در مثلثات) دلالت کند بر فتنه
 و خلاف در جانب شمال و قوت سفلیکان و شیخون و فساد آنها و در ماندن ارباب
 خیانت و خرابی و حرب در نایب و فارس و رمنیه صغری و غرق سفایین و نقصان آنها
 و اضطراب بخار و کرمها در تابستان و سردی در زمستان و آفت رسیدن بولایت ترکستان
 و حدوث امراض چاره و مرکب و مرض طاعون و خروج عام و بدکاران و فساد احوال
 خواتین و بدی حال مسافران در نایب و کثرت بخارات مایه اگر زحل اینجا بود یا ناظر باز
 شیخون رود و خروج مدعیان در فارس و خراسان اگر مشتری اینجا بود یا ناظر بد و زیادتی
 میاه بود و اندوه علماء و قضاة باشد اگر زهره اینجا بود یا در نیکبهای بجا آفت بود و ابرها
 تیره و سردی در وقت و زیان زنان و نیکی بیانات اگر عطارد اینجا بود یا در نیکبهای تند جمید
 و جنگ با زاریان و کثرت اراجیف بد حالی مسافران و کساد بازارها و بد کثرت هوا
 اگر قمر اینجا بود یا ناظر با و باشد در سیول و امطار مضره یا مشد و زیادتی آنها و
 فقره و رنج مسافران (احتراق زهره در مثلثات اربع) کامل همین محقق طوسی در
 در کتاب سفینه الاحکام میفرماید که احتراق زهره مطلقا دلالت کند بر خوشدلی
 پادشاهان و میل کردن بتماسا و عشرت و انصاف و عدل کردن با زیردستان و
 اندوه زنان و جوانان و بیرون رفتن ایشان و نادر و در مهمات اهل طرب و ارباب ملا
 و کساد بازار جامه و عطر و پرده و آفت رسیدن بموها و ریاحین و باز ماندن آن
 مرادها و منقص شدن عیثها و وفاتنا شدن امیدها و حدوث بیماری و اختراق
 از اعتدال ابو معشر بلخی در کتاب مختصر الاسرار آورده که اجتماع زهره و شمس در برج
 واحد دلالت کند بر کثرت امطار و افتراق ایشان بر قلت پس اگر میان ایشان از پس و
 پیش کمتر از سی درجه فاصله باشد حکم بکثرت نم و باران باید نمود اگر سی درجه تجاوز
 نماید قلت باران باشد (احتراق زهره در مثلثات ثنی) دلالت کند بر ملال و
 بیماری زنان و مطربان و خادمان و فتنه و فحش و تشویش در طرف مشرق و اطلیم

در مثلثات اربع

احتراق زهره

در مثلثات ثنی

در مثلثات اربع

پنجم و بلادی که منسوب برهه بود و ظهور زمین و نکاحهای بی رغبت و قیمت بعضی
از ملبوسات سیما آنچه زرد را در او دخل باشد و اعتدال هوا و عشرت و نشاط مینا
مستلین و سلاطین و حکام و خطاب نمودن با خادمان و بیماری و شیرکان و صفر
و حرارت هوا و هلاک شخصی نامی و اندوه پیران اگر مشرب انجا بود یا ناظر با و باشد
کثرت نعمت باشد و سلامت حیوانات بود و بادهای معتدل جهد اگر هیچ انجا بود یا
ناظر با و باشد اشوب خیزد و بیماریهای دسوی و اراقرمها و فساد اهل سلاح باشد
اگر عطار د انجا بود امور نامشروع شایع گردد و تهمتها وقوع یابد و سکه تغییر یابد
و در کارخانههای شربانی نقشهای تازه بندند و سرمد در وقت نقصان بارندگی
بود و بیع جواهر و دواب اگر تر انجا بود یا ناظر با و اختلاف هوا و سرما و نم باشد
در وقت ورعد و برق و اندوه عامه (احتراق زهره در مثلث خاکی) دلالت کند
بر بیخ زنان و خواجهر سران و اصحاب طرب و زینت و فساد نباتات و حیوانات سم
شکافه و باران قوی و ارزانی لباس و قماش و تفاوت زخما در جنوب و اقلیم پنجم
فساد شکوفه در وقت وافت برنج و کثرت نکاحها و بیماری اطفال و برنج کاد و کوفته
و کثرت سرما و ارتفاع بخارات در وقت و جور و ستم و تاراج در بعضی مواضع و اشکاف
شدن فسق و فجور و بی باکی زنان و زیاده شدن بناغات و نباتین اگر زهر انجا بود
یا ناظر با و باشد غلها تباه شوند و حیوانات و افاقت رسد و سرمای خشک باشد
اگر مشرب انجا بود یا ناظر با و باشد اندوه مسافران و شرکان باشد و اعتدال
هوا اگر هیچ انجا بود یا ناظر باشد با و مخالفت ازراج بود و افاقت زنان و کودکان
اگر عطار د انجا بود اراجیف و تشویش بود و حدوث سرما و قتره و بیماری در حیوانات
سم شکافه و تفاوت زخما و تغییر و تبدل حال عامه و اهل بازار اگر تر انجا بود یا
ناظر با و بود باران بسیار آید و سرما در وقت و کثرت و فراخی اطعمه (احتراق زهره
در مثلث هوایی) دلالت کند بر بیخ خوانین و خدم و بیاینها در جانب مغرب و اقلیم
پنجم و فساد برده و بادهای خوش و بسیاری سفرها و زحمت و فقره زنان و کثرت

در مثلثات خاکی

احترق زهره

مناکحات بے رغبت و فاش شدن آلات غنا و رسوائی معنیان و تنگی صیوها و زحمت دل
 و جگر و نا ایمتی راهها و ابر و باران اندک در وقت اگر زحل اینجا بود یا ناظر با و بود
 بیماری سخت بود و آفت اشجار و اندوه بزرگان باشد اگر مشتری اینجا بود یا ناظر
 با و باشد نعمت بسیار باشد و تهمت بر ائمه و قصاصه بود اگر مریخ اینجا باشد یا ناظر
 با و بود خرابی مواضع بود و اسقاط اولاد از ارحام و آفت میوها اگر عطارد اینجا
 بود بیماران علاج پذیر باشند و بادهای خوش و زرد و رونق بازارها بود و بیع
 و شری ملبوسات با قیمت و رونق ندما و شعراء و اهل غنا و دیران و متصرفان
 اگر قمر اینجا بود یا ناظر با و باشد بارندگی و بادهای مختلف بود و غلبه عوام و حرکت
 آنها و سرما در وقت رسیدن مسافران و غوغای عوام الناس (احترق زهره
 در مثلثه ای) دلالت کند بر کثرت توالد و تناسل و ریخ زنان حامله و حد و بارانها
 و آنها و جانوران بے و فساد حال زنان زائمه و بیماری کودکان و ارزانی بزخنها و غرق
 کشتیها از ریاح عاصف مختلفه و پراکندگی لشکر سلاطین و معارف ملوک و خصوص
 ازواج و اشکارا شدن فنق و فحور و تیزی هوا اگر زحل اینجا بود یا ناظر بود و غرق
 سفاین بود و کثرت آنها و خرابی ازان و آفت حیوانات بحر و تیزی هوا اگر مشتری
 اینجا بود یا ناظر باشد با و بارانهای بسیار و نافع بار در وقت و نعمت بسیار شود
 و وقوع نکاحها در میان بزرگان و سلامتی کشتیها اگر مریخ اینجا بود یا ناظر بود باد
 و بارانهای مضراید و آسیب اهل دریا بود و اگر عطارد با او بود باران اید و حرکت
 مسافران بود و خصوص اهل بازار و بیع و شری حوض و جوی و مانند آن اگر قمر اینجا
 بود یا ناظر بود سیلها رود و خرابیها کند و کاپر زها بند شود و ریخ مسافران دریا
 بود (احترق عطارد در مثلثه اربع) محقق اعظم نصیر الملک والدین در کتاب سفینه
 سفر ماید که احترق عطارد مطلقا دلالت کند بر ناخوشی کتاب و دیران و مخاطب
 شدن از ملوک و فریبستی کارهای دیوان و مناقشه نمودن با ایشان و تقوی
 در تحصیل محصلان و بیرون رفتی مدارس و بازار و در ماندن تجار از تجارت و افتادن

در مثلثه ای

در برقع اثنی عشر

اثنی عشر
 در برقع
 اثنی عشر

اخبار ارجیف و بیماری کودکان و تغییر هوا و حدوث بارندگی (احتراق عطار در
 مثلثه اثنی) دلالت کند بر ضعف حال فضلا و ارباب دواوین و بنجار و اهل بازا
 و هلاکت یکی از معارف و ریج عمال و متصرفان و تحویلداران و طلب خراج و اضطراب
 زخنها و گرمی هوا در تابستان و سردی در زمستان و نا ایمی با همنار بیماری اطبا
 و اهل تجیم و نوشتن مثالها و بیع جواهرات ای و مرصعات و اندوه پیشه و روان
 و هنرندان و نقاشان و بیماری کودکان اگر زهل انجا بود یا ناظر با و باشد یا
 صعب بی منفعت جهد و اندوه خلاق بود و اگر شمشیر انجا بود یا ناظر بود با و
 بادهای خوش رزد و سلامت چهار پایان باشد و خوبی معادن و بیماری بزرگان
 بود اگر مریخ انجا بود یا ناظر با و بود خوف و خطر و آشوب خیزد و قتل ناحق ظهور
 و وقوع یابد اگر زهرم انجا بود بیماری زنان و مطربان باشد و کساد بازار اقمشه
 اگر زحل انجا بود یا ناظر با و بود کدورت در هوا باشد و عجز بنجار و اهل تردد و اندوه
 عوام الناس و بیع جواهر بی قیمت چون مهره و مینا و بعضی گویند کاروانها برسد
 و بیع جواهر قیمتی باشد (احتراق عطار در مثلثه خاک) دلالت کند بر تغییر
 هوا و بادهای خنک در وقت فساد طعام و نباتات و ریج قواقل و علت در دواب
 و بیماری و زحمت اهل قلم خاصه در جانب جنوب و خشکی هوا و بسیار ریج بیع ضیاع
 و عقار و کثرت ابرها و ویرانی خانهها و بدخالی اطبا و اهل تصویر و نقاشان و تیر
 کران و خداوندان حساب کتاب اگر زهل با و باشد یا ناظر با و بود خرابی بقیاع و
 تلف حیوانات باشد و امکان زلزله یا که مقارن باشد در وند رابع اگر شمشیر باد
 بود یا ناظر با و عمارت های عالی را شکست و آفت رسد و مجادله علماء و فضلا و فقهاء
 باشد و بیرون رفتن ابواب البرا که مریخ انجا بود یا ناظر با و باشد ریج و بیماری چهار پای
 بود و احتراق جواهر ارضی و کوانی اگر زهره انجا بود آفت زنان و مردان باشد
 و تلف شدن اطفال اگر زحل انجا باشد یا ناظر با و باشد ظلمت هوا و سرما باشد در وقت

اثنی عشر
 در برقع
 اثنی عشر

احتراق عظام

در پنج عوام و کدورت زنان و فساد حیوانات ابی در سیدک اخبار متلون و وهم
 مسافران و کمی نفع ایشان (احتراق عظام در در مثلثه هوا) دلالت کند بر خوش
 اکابر مغرب و خوشی حال و ذرا و تیزی با زاده ها و در رفیق کار تجارت و وزیدن بادها
 سرد در وقت و عمل متصرفان و بیاعان حرارت در مزاج ارباب قلم و اعمال و اهل اسقا
 و تردد قوافل و بیع برده و در اب و ظلم از اهل دیوان و جستن بادها و صد و شش
 و صاعقه در وقت و خلاف میان علما و اشراف و وقوع در چشم اگر زحل انجا بود یا
 ناظر یا و باشد با دهای سالم و زد و صحت مردم بود و آمدن خبرهای خوش و در
 تجارت اگر مریخ انجا بود یا ناظر یا و امراض دموی و قتل و شیخون باشد اگر زهره انجا
 بود در پنج زنان حامله باشد و فساد معینان و غمازان باشد اگر قمر انجا بود یا ناظر
 یا و باشد هوا متعفن شود و نمها باشد و اندوه غامر در در سولان باشد
 اخبار خوش رسد و فراخی بود (احتراق عظام در مثلثه) دلالت کند بر
 فساد کشته ها و غلبه ابرها و ارتفاع ابرها و تغییر هوا و بیع جواهر ابره و افت میوه ها
 در وقت و بیم مردم از اعدا و بدی حال اطبا و قلت فوائد ایشان اگر زحل انجا بود
 یا ناظر یا و باشد خرابی مواضع باشد از اب و افت محصولات اگر شش انجا بود یا
 نا ناظر یا و باشد سلاحه مسافران دریا باشد و بارانهای نافع آید اگر مریخ انجا بود
 یا ناظر یا و باشد غرق و قارت کشته ها بود و فساد حیوانات ابی اگر زهره انجا بود
 در پنج زنان حامله بود و بدی حال شرابداران و کثرت فسق و لواطه اگر قمر انجا بود
 یا ناظر یا و بود مروریسیها و غلبه ابرها باشد و اصلاح و عمارت کارها و رونق
 مردم عامه بود و مرمت باغها و جوهرها کنند (احتراق عظام در مثلثه) دلالت کند بر
 اشی عشره احتراق زحل در حبل) دلالت کند بر فساد میوه ها و عنونت هوا و آمدن
 باران و تجد و پادشاهی با امیری بزرگ و وقوع حرب و خونریزی و موت در عراق
 عجم و شاید که طاعون باشد و تباهی جواهر در معادن و خروج خوارج شدید البنا
 از طرف مشرق بطرف خراسان و اصفهان سیماکه شش یا مریخ یا و باشد یا ناظر

در مثلثه

احتراق عظام

در بروج اشعی عشر

با و اما فراخی بود اگر زهره با او بود موت یکی از خزانین معظمه باشد و کودکان تلف شوند
 خاصه که عطار در این امر شریک بود اگر عطار در منفرد با او بود پیران و اهل علم را برنج
 و نکبت رسد و اصحاب داب و ارباب یکاست را خوف بود و اگر قریبا او باشد یا ناظر
 باد در کوهستان میوهها تباه شود و مرگ چهار پائیان بود در حال مردم بدگذرد و
 فوج و رسل باشد و زخمها کوان بود و سرما باشد (احتراق زحل در برج ثور)
 دلالت کند بر موت فقدان مردم فرومایه و تلف شدن دواب خاصه کاه و کوسفند
 و فخط و بیم و کثرت دزدان و تغییر هوا و بنای عمارات و تکثیر زراعات و بدی حال
 اهل قلاع و جبال و اگراد و موت یکی از سلاطین عظیم الشان و خسارت مشایخ و
 ارباب فلاحه و اگر ششم یا هفتم یا او بود یا ناظر یا باشد قوه دزدان بود و فساد
 میوه و اشجار باشد خاصه در موصل و سواد عراق و اگر زهره یا عطار در با او بود
 باشد و تباهی میوهها و امکان زلزله سیم که احتراق در رابع بود و بیماری بندگان
 و زنان و اگر قریبا او بود یا ناظر یا باشد باد و باران بسیار باشد و حدیث معدوم
 و تباهی میوهها (احتراق زحل در جوزا) دلالت کند بر قتل یکی از سلاطین یا حکام و بد
 حال مسافران و متروکین و شدت کربا و سهموم در مواضع مستعده و خلاف میانگ
 و تباهی خوف دین و ظهور وحشت الارض مثل مور و ملخ و بسیاری حصبه و ابله و
 بسیاری فصد و حجامت شدت و زحمت در ارمینه و اذربایجان و امراض در زنان
 و بندگان و تلف شدن جنالی و هلاکت یکی از اهل قلات و خوف اهل مناصب بینه
 و غلط گرفتن برایشان و نکبت بزرگی از این طایفه یا یکی از وزراء کبار و امکان تلف
 شدن یکی از ایشان و اگر ششم یا هفتم یا او بود یا ناظر بوی بود قضاة و ارباب فساد
 ناحق کنند و از ایشان بیدادی رسد و ترس و بیم بود در عدول و بزرگی را از اینجا
 بسبب این اعمال نکبت رسد و اگر هفتم یا او بود یا ناظر بوی بود فتنه و بیماری شیوع
 یا بد خاصه در زمین حجاز و بلاد شاه روم را بیم هلاکت بود اگر زهره یا عطار در
 باوی باشند نکبت اهل قلات و اهل افشا و هلاکت بزرگی از طبقات عطار در باشد

در بروج اشعی عشر

در بروج اشعی عشر

احترافاغت مختبره

و اگر زهره منفرد و مجرد از عطارد بود هلاک زنان و خاندان باشد و مرگ کودکان و
 اگر عطارد منفرد و مجرد از زهره باشد دیران و وزوارا کار تباه شود و فساد
 بازارها باشد و بزبان رفتن اموال و اگر قمر با وی باشد یا ناظر بوی حال زنان حامله
 بد باشد و بادهای تند جهد و درختان را خنل و ضرر رسد (احتراق زحل در برج
 سرطان) دلالت کند بر مرگ یکی از خواتین معظه یا خدمه حرم پادشاه و حدوث
 در اکثر بلاد و اقالیم و شدت سرما در وقت و فساد غلات و نقصان بیاه و خشکی چشمها
 و خوف بعضی از ملوک جانب مشرق و هلاک پادشاه روم یا یکی از بزرگان دولت او در کرب
 نرخیها و افت زرع برنج و شکر و تباهی میوهها و کمی ماهیان و حرص و مشغولی مردم در
 و کسب قوه گرفتن حیوانات اگر مشرق و میرنج با وی بود یا ناظر بوی حاکم و فرماندهان
 خراسان را غم و اندوه رسد و هلاک پادشاه روم مؤکد باشد و اگر شمس منفرد
 و مجرد از میرنج بود حاکم خراسان بیدادی کند و خلل بملکت او رسد و در ان اثناء
 درگذرد و اگر میرنج منفرد و مجرد از شمس بود مبالغه در موت پادشاه روم کند
 ملک عراق عرب را اندوه و ملال رسد (تنبیه) در سنه هزار و سی و یک
 زحل در برج سرطان محرق شد در عین مقارنه میرنج بعرض پادشاه ظل الله رسائیدم که
 پادشاه روم را در این سال غار ضعیفیم و بلاهت شدید میرسد و ظن غالب است که
 بقتل رسد و در تقاویم نیز این مضمون مسار شد اتفاقا در برج انسال لشکر
 سلطان عثمان اتفاق نموده او را با جمعی از بزرگان دولت او بقتل رسانیدند
 اگر زهره با وی بود غم و اندوه و مصیبت زنان باشد و افت اطفال و اگر عطارد
 با وی بود بدی حال فرزانداران باشد و ملک با بل هلاکت رسد و اگر قمر با وی بود
 یا ناظر بوی تا یکدگرانه نرخیها و کثرت کرنا کند (احتراق زحل در برج اسد) دلالت
 کند بر مرگ پادشاهی در جانب مشرق و وقوع شداید در مصر و عراق و جانب شمال
 و شدت محط و غرت حیوانات و رسوم و ظهور مصلح و هبوط تسعیرات و موت در
 و قیمت گوشت و سلامتی استر و خرو بیماری سایر در و آب و کثرت اموال و ارزانی

نکته

تنبیه

تفسیر

در رُوحِ اثنی عشر

طلا و مس و سایر فلزات و فساد آنها را اگر مشتمل بر با او بود یا ناظر بوی باشد سلامتی هر
 عالم و قوت سلاطین و حکما بود و صحت و آب و فساد جواهر در معادن و کثرت حیات یا
 بود و اگر مریخ با او بود یا متصل با او و عطاره با او باشد یا متصل با او بود خوت
 بسیاری حرارت بود در مزاجها و درد دست و مرنه سباع ضاره و طيور جوارح
 باشد و خاکم بابل و عراق عرب بر اعدا و مدعیان خود ظفر بایند و جنود و عساکر ایشان
 هلاک و نابود کند و بر وزیرای پادشاه باین سبب تفوق جوید و اگر مریخ منفرد
 مخرج از کواکب مذکوره با او بود یا ناظر با او عزت و قنطچهها را بایان بود و بنا بر
 باشد در معادن و حیانت معدنیان و ضعف سلاطین و بیماری خلائق بود و هلاک
 جانوران سینما استر و خز و حمار الوحش از ریخ و اگر زهره با او بود طالعها جمع شود و مردم
 صلاح و نیکی بیفزاید و قیمت را ضعیف کند و جواهر بسیار بود خاصه زرد و با قوت
 و سر و بر بتم نیز فراوان بود و اگر عطارد منفرد بود با او کثرت خبز خیر و راحت
 باشد و سیم و سیماب رزان کرده و او یعنی طرق و شوارع باشد و قصد و غمرا هکل
 کتاب و قلم کند و زخمها رزان کرده و اگر قمر منفرد با او بود یا ناظر با او فساد اشجار
 بلند و قوی یافت نخل باشد و کرازی و تباهی سیوه و سرد رختی از اختلاف هوا
 (احتراق زحل در سنبله) دلالت کند بر بیس هوا و موت یکی از سلاطین و هلاک
 کثیری از امم و رسیدن شهر مردم خاصه در موصل و جبال الخدر و در طرف شمال و موت
 اطفال و سقوط اجنه و کثرت امراض و رزنان و کودکان و فساد حال کتابها
 یکی از وزیرای ذوی الاقنار و حسن حال تجار سیماب در او اهل سال و بعکس در او احز
 و کثرت ثمرات و رخس اسفار و تزیاید میانه بود و اگر مشتمل بر با وی یا ناظر با او بود کثرت
 بیماری باشد خاصه در زنان و کودکان لیکن بسلاصت بر خیزند اگر مریخ با او بود یا
 ناظر با او باشد مرنه امیری بزند یا زبیری باشد و تباهی حال خلائق و کرمهای سخت
 و وقوع قوٹ و موت اگر زهره با او بود فراخی معاش مردم بود و از زنان بزخمها خا
 آنچه بکبل و ترازو فرو شدند و بیماری میوهها و اگر عطارد با او بود بسیاری از اجناس

در رُوحِ اثنی عشر
 در کتب نجومی

احتراف غمناختی

و محبوب رباح بارده باشد و نیکی حال فضلا و بزرگانان بود و حسن حال کتاب
 اصحاب اذاب سیما در او اهل سال اما در او اخر سال احوال ایشان تفاوت کند
 بیدی آید و امکان زلزله بود اگر احتراق در بیت رابع بود اگر تریبا بود یا ناظر
 با و احوال با زاریان نیکو بود و پیوسته باران آید و بارها و رعد و برق بود *
 (احتراق زحل در برج میزان) دلالت کند بر وقوع حرب میان ملوک و فرماندهان و
 امراض شدید در میان زنان و فقدان این ظایف و مرگ یا دشاهی در جانب مغرب
 و کثرت اعدا و تفرق خلائق از مساکن و اوطان و مرگ مشایخ و اهل جبال و حدوث
 غیوم و اضطراب و کثرت دزدان و صدور شدن راهها و تصاعد زخما و فحشاء و
 تنگی و کسب و صلاح حال سلاطین و رؤسا و دهاتین و شدت حرب و عجم و ترک
 واضطراب ایشان و حدوث امراض مهلکه و اگر مشربانجا بود یا ناظر با و بود حال
 حال ملوک و اکابر و دهاتین نیکو و سال برایشان میمون و مبارک گذرد و غله
 بسیار بود و در تجارت و کسب راحت و برکت باشد و اگر مشربانجا بود یا ناظر
 با و باشد اهل ماوراء النهر راحت و شدت رسد و حال عجم و ترک و مردم کوهستان
 بد گذرد و دزدان و عیاران مضطرب کردند و اغریبانه شوند و اگر زهره و عطارد
 انجا باشند مردم را دردد و بیماریها مهلک پیش آید و عرب را سختیها رسد و در میان
 مردم غور و حجاز و با و بیماریها حادث شود و اگر عطارد منفرد یا با او بود و مجرد
 از زهره بیماری و مرگ بسیار بود و باد شاه وقت مردم سفله را غریب کند و ایشان
 اضرار و اهانت بزرگان نمایند و اگر تریبا بود یا ناظر با و ارتفاع حال اجلاف بود
 و توجه سلاطین بدانان بسیار بود و ایشان بر اشراف تطاول جویند (احتراف
 زحل در برج عقرب) دلالت کند بر کثرت حروب میان ملوک و سلاطین خاصه در
 جانب مغرب و ازانی اسلحه و بیماری کیک و پشه و سایر هوام و رطوبت هوا
 و آمدن باران و موت بزرگی در مغرب و ضیق احوال مردم و حدوث امراض شنیعه
 و خروج اعدا در جبال اما بے بقا باشند و فتنه در میان عرب و عجم و تباهی احوال

مغرب و کثرت
 و عجم و ترک

مغرب و کثرت
 و عجم و ترک

در بروج اشتر عشر

بزرگان و سرداران ایشان و اوزانی در سواد عراق و تنگی و سختی در زمین عجم و مخصوصاً
 در خراسان و کرمانی زخنها و بسیاری فکرها و اندیشه دران ولایت و اگر مشرجه با او
 بود یا ناظر با و قوی مخالف مذهب خروج کنند مردم را دعوت نمایند اما یا بیدار نبود
 و زود منقطع شوند و ممکن این قضیه در زمین خراسان و کوهستان انجام بود و تحت
 حادث شود و اگر هیچ با او بود یا ناظر با و علما و فقهای خراسان سختی کشند و زخ
 کران کرد و خصومت و نزاع ظاهر شود و خروج اعدا باشد و اگر زهره و عطارد با او با
 حال اهل بابل و عرب نیکو گذرد و کار ایشان بالا گیرد و زحمت فقرا و مساکین باشد
 و امام ابو الحسن بهقی گوید اگر عطارد با او باشد مجرد از زهره کثرت ارتفاعات بود و کار
 اهل سیاق نیکو شود و بسیاری باران و آب بود و خوبی سپاهیان و لشکریان را ترقی
 بود و نیکی حال اهل سواد و ساکنان باشد و کثرت دخل ایشان و اگر قمر با او بود یا ناظر
 با و باران بسیار آید و آب چشمها در تزیاید باشد و کثرت سلاح باشد (اختراق زحل
 در برج قوس) دلالت کند بر وقوع موت در مواسم و حروب میان سلاطین و فرماندهان
 و مرگ پادشاهی عظیم الشان و در حد برق و خسارت مزارغان و اهل فلاح و توانم
 ملوک با رعیت و اطاعت نکردن ایشان و فساد حال عظاما و اهل ادب و اشد اذیت بود
 و بسیاری نهنک در بنبل مصر و احوال چهار پایان بد شود و کرمانی زخنها و عزیمت طعام
 باشد و غلبه در دین اگر مشرجه با او یا ناظر با و بود حسن حال علما و قوت و نصرت و
 فتح پادشاه بود و بدست آمدن ولایات و مطیع شدن رعایا و نکت اعدای دین و
 گویند نیکی حال عالیان بود و اگر هیچ و قمر با او بود یا ناظر باشند با و پادشاه سفری
 مبارک کند و اگر هیچ منفرد از قمر با او بود یا ناظر با و سفر با فراط باشد و در دین
 خیره کرد و زاهدان قوت گیرند و اگر زهره و عطارد با او بود حال عرب و اصحاب
 ادب بد گذرد و زنان را نکت رسد و اگر زهره مجرد از عطارد با او بود زنان و مطربان
 نکت رسد و بیماری این طایفه بود و اگر مجرد از زهره بود یا با او نیکی حال دیران و
 اهل قام باشد و کار ایشان نزد علما و عظاما و فرماندهان بلند شود و شادی بازاریان باشد

در بروج اشتر عشر

احتراف تحفه مختبره

و اگر قریب او یا ناظر با او بود یا دشت سغری کند (تنبیه) چون بعد بعد روزان تا
 در بیستم درجه این برج واقع است اگر اتفاق افتد که زحل در حوالی اجزاء بحرق شود تغییرات
 کلی بد و لثه های قدیم راه یابد و صفات و نعوت خلایق دیگر کون کرده (احتراف زحل
 در برج جد کالات کند بر نقصان میاه و مرگ پادشاه یا یکی از معارف پادشاه در
 ولایت هند و خسارت مشایخ و اهل فلاحت و اشتداد پوست و پرودت و حدوت
 برف و جلید خاصه که احتراق در غاشر بود و امکان حسف زلزله باشد و اگر در رابع
 بود سیما که عطار دبا او بود و فساد اثمار و اشجار و نقصان عدزخها و غلبه اصحاب سلاح
 و نقصان خزای بیوت و اموال و عروض موت در کتاب و اطفال و حقوق غم و هم
 خاکم بابل و اگر مشی با وی بود یا ناظر بوی سرهای صعب و افت میوه ها باشد و
 کراتی طعامها اما هر مس کوید نظر مشی مصلح این تاثیرات بود و اگر هیچ با وی باشد
 یا ناظر بوی امر را شادی رسد و کار اهل سلاح نیکو بود و توانگر شوند و خزائن بگردد
 بنقصان آوند و سرها با فراط بود و اگر زهره و عطار دبا او باشند اهل ادب و
 صرشت ایذا یابند و امراض مهلکه عارض اطفال شود و اگر زهره مجرد از عطار دبا یا
 بود توسط زخمها باشد و باران آید و هواسر در کرد و اگر عطار دبا مجرد از زهره یا
 نا او باشد مرگد بیران و اهل ادب باشد و کودکان تلف شوند و خسارت حایمان
 زمین و مذهب باشد و بادها آید و فساد غلها باشد و کمی دخلها و امکان زلزله اگر
 احتراق در رابع بود و اگر قریب او یا ناظر با او باشد سرهای با فراط بود و کثرت رابع
 مضره باشد (احتراف زحل در برج دلو) دلالت کند بر شدت سرما و بسیاری برف
 و تم و فساد میوه ها و تباهی زمینها و فرود رفتن کشتیها و نایابی خوردنیها چنانکه اکثر
 جایها روی بوی را نهند و فساد کشت و بیک حال خلایق بود و بیم فتنه و آشوب در جای
 مشرق و زمین خراسان و وقوع حوادث در ولایت یمن و مغرب و شدت یاس در انواح
 و نواحی حجاز و اهل حبال و طایفه اگراد بالضروره جلای وطن نمایند و اگر مشی
 با او باشد یا ناظر با او سر صعب باشد و اهل خراسان بود و بیم ایشان از فتنه

احتراق زحل
 در برج جد
 دلالت کند بر
 نقصان میاه
 و مرگ پادشاه
 یا یکی از معارف
 پادشاه

احتراق زحل
 در برج دلو
 دلالت کند بر
 شدت سرما
 و بسیاری برف

در رفع اشی عسر

و فساد و سختی سال رهس کوی در زان باشد و باران بسیار بود و اگر مریخ با او یا ناظر
 با او بود در ماوراء النهر فتنه و آشوب عظیم باشد و اگر زهره با او باشد زخما روی در
 منزل نهد و فراخی سال و نعمت باشد و کثرت باران بود اما بیماری و رنجوری در میان
 مردم سمت ظهور یابد و اگر عطارد با او بود حال اهل کوفه و سکان سواحل بد کدر و
 فتنه و غارت بیند و اهل حجاز را فتنه رسد و فساد مردم و خرابیها بود و اگر قمر با او بود
 یا ناظر با او مدوت و براح و رعد برق باشد (احتراق زحل در برج حوت) دلالت کند
 بر خوف و جوع سلاطین انجاء کثرت مجادله و مقاتله باشد و خوف در اشراف و عظام و نکبت
 کتاب و شدت برد و کثرت امطار باشد و بعضی گویند خشکی هوا و قتل و طوبت و بک
 احوال اگراد و فساد حیوانات ابله و افتایشان باشد و مضرت رسد بسفایین و خوف
 ملاحان بود و مردم را از خروج دشمنان از ناحیه اصفهان و فارس و حوزستان خوف
 و بیم بود و هبوب رباح قاصفه در ماه و حصه سفال در سال حادث گردد و اگر
 مریخ با او یا ناظر با او بود دشمنی از طرف فارس و اصفهان خروج کند اما فراخی نعمت و
 خوشی معاش مردم بود در آنوقت و ملک بابل را از خروج خوارج و قتل و نهب ایشان
 غنوم و هموم رسد و نقصان اموال بود و اگر مریخ با او یا ناظر با او بود طایفه عرب را
 سختی و زحمت رسد و نکبت مدبران بود و از خراسان دشمنی بیرون آید و قتل و غارت
 و بدی احوال تاجیکان و بیماری بود از اخلاط سوخته و اگر زهره و عطارد با او باشند
 بطایفه عرب نکبات رسد و کتاب و ارباب دفاتر و اصناف پیش آید و اگر زهره مجرد
 از عطارد با او بود ملک بابل و حوزستان را زحمت رسد و بیم مرگ باشد و سوخت
 زنان بیشتر باشد و در پای میان این طایفه شیوع یابد اما خیر اهل صلاح و متدینان
 بود و اگر عطارد مجرد از زهره یا با او بود فساد حال تجار و خوف و بیم ایشان بود
 و اگر قمر با او بود یا ناظر باشد با کثرت نعمت بود و باران بسیار آید و آب آنها در وقت
 زیاد شود در وقت مردم بابل بهارت مایل باشند (اجتراف مشرقی در برج
 حمل) دلالت کند بر قتل باران و مرگ اکابر و قضاة و اشراف و تغییر در قواعد و

در رفع اشی عسر
 در رفع اشی عسر

در رفع اشی عسر
 در رفع اشی عسر

و قوانین و ظهور اعدا در ولایت مصر و حجاز و اطراف یمن و نیکی ساکنان اقلیم پنجم و بیستم
فرماندهان از تشیع علماء و اهل ادیان و رقابیت اهل مشرق و ساکنان بابل و سواد
عراق و فارس و فلسطین و اگر زحل با او بود یا ناظر با او اعدا را در حجاز و مصر خروج
مؤکد باشد و مردم را از سیلها و آبها خوف بود و شخص بزرگ نامی را از اهل دین
نکبتی رسد یا صاحب قرآن مفقود گردد و اگر مریخ با او بود یا ناظر با او کثرت میاه و طغیان
باشد و بیماری بسیار و خاکم عراق عرب حرکت و سفر کند و ازان یشانی و اوقات بنبند
و فقها در مسائل سخنان مختلف گویند و تخیلها و تقلیدها ظاهر شود و اگر زهره
با او بود فساد حال زنان و حرکت ایشان و جواهر قیمت گیرد و ملبوسات عزت یابد و
بتاهی حال رؤسا باشد و عوام الناس تشیع و فرغ کنند و اهل تقوی و ورع را ک
نیگوید و بابلیان را سفر سازد و اگر عطارد با او بود مرگ دیران و جوانان و کودکان
و زنان باشد و خصوصت اهل قلم بود و مکر و حیل در میان مردم متعارف شود و
و اهل شرع را غموم و هموم عارض گردد و اگر قمر با او بود یا ناظر با او باران بسیار آید و
انسانی ملوک و اشراف نیکو گردد و چار با بان زباده شوند و کاه و کوسفند بفرست
باشند و کاه اهل فلسطین و اذربایجان بمرد باشد و به تنعم اوقات گذرانند (احتراف
مشترک در برج ثور) دلالت کند بر بیس هو و کثرت هموم در میان و زمان مستعد
و موت یکی از قضایا و اکابر و اشراف و کثرت رباح غاصفه و بسیاری نموزرع و کشت
و صلاح دواب و کثرت مواش و نیکی احوال سواد و مردم همدان و ساکنان جبال و حد
آن و وقوع اضطراب و کراهت زرخ در خراسان و اگر زحل با او باشد یا ناظر با او قسرو
اشوب در شرق خراسان بود و تلف شدن کاه و کوسفند و خروج اعدا در دین
حجاز و عربستان اما زود باطل گردند و اگر مریخ با او بود یا ناظر با او در عراق عرب
دشمنی خروج کند ولیکن پایدار نبود و کثرت گرفتار باشد در وقت و اگر زهره با او بود
خصب مغار و غیر بسیار بظهور رسد و فراخی نعمت باشد و اگر عطارد با او بود یا نا
بسیار باران و بادهای و امروزد و اگر قمر با او یا ناظر با او بود زخمها از زان بود و

ن

احتراف
در برج ثور

اهل خراسان وارمنیه باشد و کار مردم بصلاح منجر شود و بعضی گویند بدی خال اهل
خراسان باشد (احتراق مشرق در برج اسد) دلالت کند بر کثرت حشرات ارض و
امکان ملخ و خشکی هوا و مرگ شخصی جلیل القدر و تغییر سفار و شاید که برها خیزد و
بنا و آنها ببارد و پادشاه عراق را خوف غارض گردد و علل و بباد مردم پدید آید و سیاه
ضاره ظاهر گردند و مردم بدفع ایشان مشغول شوند و در بیان راجع رسد و قاف
بسلامت باشند اگر زحل با او بود یا ناظر با او باشد پادشاه یا یکی از اعیان دولت را
افت رسد سیما در ولایت بابل و عراق عرب و اگر مریخ با او یا ناظر با او باشد ملوک
غم پیش آید و زردان و بدکاران باطل گردند و اگر زهره با او بود خوشی هوا باشد و
اجزای خوش رسد و رعیت را خوف بهم باشد و اهل دین و ارباب دیانت را ضرر رسد
و بتاهی حال زنان باشد و اگر عطارد با او باشد و رسولان و پیکان بسیار باشند
و خبرهای خوش آوردند خاصه در ولایت بابل و عراق عرب و اگر قمر با او باشد یا ناظر
با او ملک بابل راجع رسد لیکن اگر سلامت شود (احتراق مشرق در برج سنبله)
دلالت کند بر کثرت رجاج و خلفت در میان ملوک و مرگ یکی از وزرا یا عظاما و اشرف و
قضاة و میل زخمها بگرای و انتقال بعضی از اهل مناصب بینه از مساکر و اوطان
خود و بیک حال اهل شام و فارس و جزایر و حدودش امراض در زنان خاصه و شیر
اگر زحل با او بود یا ناظر با او باشد کرایه عظیم شود و کارها بسنه گردد و اگر مریخ با او
بود یا ناظر با او بیماری و مرگ جوانان و کودکان باشد و کدورت و تنفر بینگان از
خداوندان و کرمین ایشان و اگر زهره با او بود سال میانه بود و هو معتدل گذرد
و ارباب دین را کردند رسد و اگر عطارد با او بود غم و کدورت در بیان و علماء و فضلا
باشد و اگر قمر با او یا ناظر با او باشد فراخی و شادی در میان مردم باشد و تردد
قوافل و کثرت معاملات (احتراق مشرق در برج میزان) دلالت کند بر ارتقاع
بخارات و بسیاری غم و هلاکت اکابر و ارباب مناصب بینه و ظهور اعدا از طرف
مغرب که مکتب بسیار کند و حسن اهل زابلستان و حوزستان و کابل و مرند اکابر و کور

احتراق مشرق در برج اسد

احتراق مشرق در برج سنبله

احتراق مشرق در برج میزان

احتراف خست و محبت

اهل خراسان و ارمیه باشد و کار مردم بصلاح بخرشود و بعضی گویند بدی خالی اهل
خراسان باشد (احتراف مشرک در برج اسد) دلالت کند بر کثرت حشرات الارض و
امکان ملخ و خشکی هوا و مرگ شخصی جلیل القدر و تغییر سفار و شاید که ابرها خیزد و
بارانها بارد و پادشاه عراق را خون غارض کرد و عجل و جاد مردم بد پیداید و
ضاره ظاهر کردند و مردم بد فح ایشان مشغول شوند و در بیان راریج رسد و
بسلامت باشند اگر زحل با او بود یا ناظر با او باشد پادشاه یا یکی از اعیان دولت را
افت و سد سیما در ولایت بابل و عراق عرب و اگر مریخ با او یا ناظر با او باشد ملوک
غم پیش آید و در زمان و بد کاران باطل کردند و اگر زهره با او بود خوشی هوا باشد
اجتار خوش رسد و رعیت را خوف بهم باشد و اهل دین و ارباب دیانت را ضرر رسد
و تباهی حال زنان باشد و اگر عطارد با او باشد مرسولان و پیکان بسیار باشند
و خبرهای خوش آوردند خاصه در ولایت بابل و عراق عرب و اگر قمر با او باشد یا ناظر
با او ملک بابل و راریج رسد لیکن اگر سلامت شود (احتراف مشرک در برج سنبله)
دلالت کند بر کثرت رجاج و خلفت در میان ملوک و مرگ یکی از وزرا یا عظاما و اشرف
قضاة و میل زخمها بگوانی و اشتغال بعضی از اهل مناصب بینه از مساکن و اوطان
خود و بیک حال اهل شام و فارس و جزایر و حدود امراض در زنان خاصه دوشهر
اگر زحل با او بود یا ناظر با او باشد کرامت عظیم شود و کارها بسنه گردد و اگر مریخ با او
بود یا ناظر با او بیماری و مرگ جوانان و کودکان باشد و کدورت و تنفر بینگان از
خداوندان و کرمین ایشان و اگر زهره با او بود سال میانر بود و هو معتدل گذد
و ارباب دین را کردند رسد و اگر عطارد با او بود غم و کدورت در بیان و علماء و فضلا
باشد و اگر قمر با او یا ناظر با او باشد فراخی و شادی در میان مردم باشد و تردد
قواغل و کثرت معاملات (احتراف مشرک در برج میزان) دلالت کند بر ارتفاع
بخارات و بسیاری غم و هلاکت اکابر و ارباب مناصب بینه و ظهور اعدا از طرف
مغرب که مکت بسیار کند و حسن اهل زابلستان و حوزستان و کابل و مرگ اکابر و کور

احتراف مشرک در برج اسد

احتراف مشرک در برج سنبله

احتراف مشرک در برج میزان

در روح اثنی عشر

و اناثا و فساد مغل و خوشی هوا و توسط نرخیها و اگر زحل با او یا ناظر با او بود رسوم
 تازه و فواید جدید پدید از اطراف مغرب بمیان مردم در آید و خروج جمعی شد بد العداوة
 نیز از آن جانب ممکن است و کراتی نرخیها و اگر مریخ با او بود یا ناظر با او فزاینده است و
 ارزانی طعام بود و خوشی معاش مردم را اگر زهره با او بود خوف مرض و هلاکت زنا
 و مردان باشد و ارزانی آنچه بتر از او بفرستند ماکولات یا غیر ماکولات و اگر عطارد
 با او باشد توسط نرخیها باشد و بیماری و موت مردان و ارزانی آنچه بوزن در آید
 و اگر قمر با او بود یا ناظر با او باشد کثرت خرمی و خیرات باشد و وفور نعمت و توسط
 حال عامه و ارزانی ماکولات و بنا به سخت جهد و علامات آسمانی ظهور نماید (اختلاف
 مشرق در برج عقرب) دلالت کند بر کثرت ارجیف و بسیاری مرگ و سوء حال قضا
 و فقهاء و قلت فوائد ایشان و جلای وطن اکابر و اشراف و فساد ذرع و غلات و
 خروج جمعی از جانب مشرق و شدت سرما در مواضع سرد سیر و کثرت باران و سیلاب
 آب اگر زحل با او بود یا ناظر با او وقوع سرمای خشک باشد و میوه را هم افتد و سرد
 و اگر مریخ با او بود یا ناظر با او ناسازگاری رعایا باشد و سلاطین و حکام از غوغای
 ایشان آزرده کی و مملکت کنند و در جانب خراسان جمعی فتنه انگیزند و زود باطل
 شوند و اگر زهره با او بود جمعی بپیر و پادشاهان خراسان بیرون آمده فساد کنند
 و اگر مظاهر با او بود بکت اهل قلم باشد و بیماری و موت و وقوع بابد و کمی غلات
 بود و اگر قمر با او بود یا ناظر با او کثرت ارجیف بود و فساد کشتیها و حدوث باران
 (اختلاف مشرق در برج قوس) دلالت کند بر بسیاری باران و کثرت فوت و موت
 خاصه در میان اهل دین و تقوی و بیماری یکی از فرماندهان و حکام در ولایت عراق
 و اگر زحل با او بود یا ناظر با او باشد وقوع حرب باشد در زمین فارس و ناحیه آن و
 کثرت باران بود اگر مریخ با او بود یا ناظر با او در ولایت فارس حربی دست
 دهد و ارزانی و بسیاری باران باشد و اگر زهره با او بود یکی حال اهل قلم و دفتر
 بود و ارزانی و کثرت بارندگی و کثایش کارها باشد و اگر قمر با او یا ناظر با او بود

اختلاف مشرق در برج عقرب

اختلاف مشرق در برج قوس

احترافات چند مختصره

غله نقصان کند اما سایر نباتات نیکو بود و بسیاری جواهر باشد و گرانه نقره و فلزات بود (احتراف مشرق در برج جد) دلالت کند بر خیر و نیکی حال بعضی از ملوک و تغییر اسفار و وقوع فوت و موت در میان علما و قضاة و اکابر و قلت سرما و رطوبت هوا و شدت برد و امراض خشک و کثرت غلات و تشویش و فتنه در زمین فارس کوهستان و نقصان آب چشمها و اگر زحل با او بود یا ناظر یا سردی و خشکی سال و ناسازگاری هوا بود و اگر مریخ با او بود یا ناظر یا باد جنوبی و زد و سوز باشد و اکابر را شادی و منفعت رسد و باران و رعد بسیار باشد و سال متوسط بود و اگر زهره باری باشد سال فراخ بود و باران بسیار بارد و اگر زحل نبعت بود و غله را اندک نقصان از کثرت بادها باشد و اگر عطارد بنا او بود تباہی غله بود و مرگ بزرگ باشد و کثرت باران و باد و بیماریها سرد عارض مردم شود و اگر قمر یا او یا ناظر یا از سردی بیماری بسیار بود و موت حادث گردد (احتراف مشرق در برج دلو) دلالت کند بر ظلمت هوا و همچنان اعدا بر بلاد و ظهور شرور کثرت مرع و ماهی و نیکی معاملات و مرگ اکابر و اشرف و ارزانی زخما و فساد در شام و جزیره و طبرستان و سیاه میمات و زراعت و سلاطین و شدت برد و کثرت رعد و برق و صاعقه و باران و اگر زحل با او بود یا ناظر یا شدت سرما و رعد و برق و رطوبت بود و قوت اعدا و کثرت مکشایشان و ارزانی زخما و اگر مریخ با او بود یا ناظر یا دشمنی ضعیف بر خیزد و بیفان کند شاید که در ولایت خراسان باشد و کفار در مملکت روم خروج کنند و اگر زهره با او بود پادشاه بر دشمن ظفر یابد و باران بود و اگر عطارد با او بود کار روزی تباہ شود و سرما و بادها خشک باشد و فساد کار اهل فلم و در بیان بود و اگر قمر یا او بود یا ناظر یا محصول حرما و سایر فوا که فساد یابد و برها خیزد و بارانها بارد و بادها جهد (احتراف مشرق در برج حوت) دلالت کند بر صلاح ملوک و طیب قلوب ایشان و کثرت رسل و رسائل و خوبی غلات و ارتفاعات و کثرت باران و دوام آن و نکاح

احتراف مشرق در برج جد

احتراف مشرق در برج دلو

احتراف مشرق در برج حوت

دزدی

در قوس اثنی عشر

و تزویج و مرکه شخصی معروف و بطلان یکی از زماندهان طایف مغرب و خروج اهل فسا
 در عراق عرب و عرب یکی از سلاطین خراسان با اعدا اگر نعل با او بود یا ناظر یا نزد
 جماعتی در زمین با بل بود و شخصی ذی شوکت و قوت با ایشان بود و در آن سر زمین
 فساد کند و اگر مریخ با او بود یا ناظر یا در ده میان مردم بیماری و مرکه بسیار بود و
 مردم معروف کم شوند و اگر زهره با او بود سال میانه بود و مردم را سلامتی حاصل
 شود و ارزانی زرخها و کثرت باران باشد و علل و امراض در زمان پدید آید و اگر
 عطارد با او بود اهل قلم را حال در حد وسط بود باران آید و اگر تریا با او بود
 یا ناظر یا پوسته باران آید و حال تجارت نکو گردد و بینی معاملات و خوشی
 معیشت ایشان بود (احتراق مریخ در برج حمل) دلالت کند بر زیان دواب و
 بدی حال پیران و اهل جبال و عرض بیماریهای گرم و خشک خاصه برفان و کثرت
 فتنه و کذب و قلت صدقه و خیرات و شدت ریح و برف و خسارت لشکریان و
 سپاهیان باشد و کمی نژاد امرا و ظهور حمیره در هوا و اگر زحل با او بود یا ناظر یا
 پوسته باران آید و هلاک و فقدان یکی از اهل قلم باشد یا پیران سال خورده و
 فراخی و اگر مشتری با او بود یا ناظر یا فراخی و ارزانی بود و خیرات بسیار و کثرت
 نعمت و خوشی عیش مردم باشد و اگر زهره با او بود ارزانی زرخها و کثرت میاه باشد
 و بسیاری نعمت و بینی معیشت خلایق و موت یکی از خواتین معظمه بود و اگر عطارد
 با او بود سر حنی در هوا پدید آید و کثرت رعد و برق باشد و ممکن یکی از علامات
 آتشی ظاهر گردد خاصه که مریخ در عاشر بود و مرکه جوانان و کودکان حادث گردد
 و کثرت نزله و زکام بود و بزرگی از اهل سیاق فرود و اگر قمر با او بود یا ناظر یا
 باران بسیار آید و مزروعات فاسد گردد و کدورت هوا و تولد امراض و غرق سفینه
 بود (احتراق مریخ در برج ثور) دلالت کند بر بسیاری و شدت کربا و خشکی هوا
 و کثرت و با امراض صفراوی خاصه برفان و فوت موت در لشکریان و فرورفتن
 بزرگی از تراز و حریق در جبال و حدوث برف و صواعق و هلاک دواب مواشی

بروز مریخ در برج حمل

بروز مشتری در برج ثور

احترافات خمس تعجب

و بسیاری باد و نفص اغلات و اگر زحل با او بود یا ناظر با او باشد مرگ حیوانات
 سم شکافته بود و اگر مشتری با او بود یا ناظر با او بیماری چهار پان دست دهد
 اما کمزلفت شوند و اگر زهره با او بود بیماری زنان بسیار بود اما سلامت باشد
 و اگر عطارد با او باشد امراض مهلکه بسیار بود خاصه از هواز دگی و فاده نزل و
 اگر قمر با او بود یا ناظر با او امراض ممتده صعب عارض مردم شود (احتراق مریخ
 در برج جوزا) دلالت کند بر جهارت هوا و حد و شر و روحرب و سفک دعا و امر
 عاده و مرگ یکی از عطا از علت سینه دپهل و ضرب کتاب و ظهور ظلم و بی اعتبار
 شرفا و اعتبار اجلاف و حدوث مرگ مفاجاه و اگر زحل با او بود یا ناظر با او کرم
 سخت بود در وقت و امراض صفراوی و ذات الحجب و مثل آن حادث گردد و اگر مشتری
 با او بود یا ناظر با او امراض خاره کثیره عارض شود خاصه سر سنام و آنچه بدان مانند
 و مرگ اصحاب علم و دین بود و اگر زهره با او بود شخصی از معارف اهل قلم بقتل رسد
 و بدی حال زنان و اگر عطارد با او بود امراض کثیره ظهور یابد از باد های گرم و
 حلیان خون و در حلق و ضربان اعضا عارض گردد و شخصی در عراق عرب بایل
 بقتل رسد و مال و بضاعت و تلف و زبر را مغرول و مضارده کنند اگر قمر با او یا نا
 با او باشد فقر بسیار میان مردم در آید و اعز و ذلیل و اذله عزیز گردند و در دکل
 شایع گردد و پرستان و بندگان بیمار شوند و ظلم و ستم پدید آید (احتراق
 مریخ در برج سرطان) دلالت کند بر شدت کراهت و مجادله میان مردم و موت بعضی
 انام و حریق در ناحیه شمال و حدوث جدت و فساد اغلات و هبوب رجاج و خروج
 جمعی از جانب مغرب اما مکتب نقاشند که اگر زحل با او بود یا ناظر با او تباهی غله و
 ميوه باشد و یکی از کبار الناس رحلت نماید و اگر مشتری با او بود یا ناظر با او مرگ
 بزرگان و اهل دین و علم باشد و اگر زهره با او بود جمعی از ناحیه جنوب بیرون
 و خلاف پادشاه وقت کنند و حدوث کراهت باشد و باد کرم و سموم آید در موضع
 مستعد و غرق سفاین و اگر عطارد با او بود بادها وزد و کرمها باشد اما بعد

احترافات خمس تعجب

احترافات خمس تعجب